

# بروکسل و بایستگی های مؤثریت کمک های بین المللی

سرمقاله

## انتخابات و کارکرد نهادهای انتخاباتی

حفیظ الله زکی

کمیته گزینش اعضای کمیسیون های انتخاباتی کار خود را آغاز کرد. آغاز به کار این کمیته به معنای شروع روند اصلاحات در ساختار کمیسیون های انتخاباتی است. این روند می تواند بخش مهمی از توافقنامه سیاسی میان دو تیم حکومتی را پوشش دهد و زمینه را برای برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی مساعد سازد.

انتخابات اخیر ریاست جمهوری با جنجال های از ثقل و تخلف همراه بود. جنجال هایی که در نهایت به بحران سیاسی و انتخاباتی انجامید و تشکیل حکومت را با دشواری های غیر قابل پیش بینی روبرو کرد.

توافقنامه سیاسی میان دو تیم پیشیناز انتخاباتی آخرین راه حلی بود که به اختلافات انتخاباتی نقطه پایان گذاشت و راه را برای تشکیل حکومت وحدت ملی هموار کرد. با این که اصلاحات انتخاباتی یک بخش مهم توافقنامه را تشکیل می دهد، اما با گذشت دو سال از تشکیل حکومت وحدت ملی در این عرصه کمتر پیشرفتی صورت گرفته است.

برگزاری هر نوع انتخابات در سایه قانون و ساختار قبلی انتخابات، با توجه به اعتراض ها، جنجال ها و انتقادهایی که علیه آن صورت گرفته بود، در عمل ناممکن به نظر می رسد. از اینرو لازم بود که حکومت مدت ها پیش از این، به آوردن اصلاحات در نظام انتخاباتی اقدام می کرد. تأخیر در آوردن اصلاحات انتخاباتی سبب شد که انتخابات ولسی جرگه به تعویق افتد و انتخابات شوراهای ولسوالی که به منظور تشکیل لویه جرگه ضروری بود، برگزار نگردد.

بر اساس توافقنامه سیاسی، در پایان سال دوم حکومت وحدت ملی، باید لویه جرگه، به منظور آوردن تعدیل در قانون اساسی و تغییر نظام ریاستی به پارلمانی، برگزار می شد؛ اما وجود برخی مشکلات در قانون و در ساختار نظام انتخاباتی مانع برگزاری انتخابات گردید. انتخابات یک رکن مهم دموکراسی را تشکیل می دهد، حاکمیت مردم توسط انتخابات رقم می خورد، فرایند گردش نخبگان با انتخابات امکان پذیر می شود، پدیده تفکیک قوا، توزیع متناسب قدرت و جلوگیری از رفتارهای انحصارگرایانه و نا عادلانه، از طریق انتخابات واقع می یابد. دموکراسی تنها یک شعار نیست که با نام آن بتوان مستبدانه حکومت کرد و یک جانبه فرمان راند؛ دموکراسی یک فرهنگ است که رفتار و عمل انسان را بر معیارهای مشخص و از پیش تعیین شده، تنظیم می کند. حکومتی که خود را دموکراتیک می داند، بایستی به تمام عناصر و مؤلفه های دموکراسی احترام بگذارد. انتخابات یک جزو مهم دموکراسی را تشکیل می دهد. بنابراین بی توجهی به انتخابات، نادیده گرفتن ارزش های دموکراسی و بی احترامی به آراء و نظرات میلیون ها شهروند محسوب می گردد.

اهمیت انتخابات در کشور افغانستان، که جنگ های تمام عیار و خونین داخلی را پشت سر گذاشته و یک تاریخ حاکمیت توتالیتر و استبدادی را تجربه کرده است، به مراتب بیشتر از کشورهای دیگر است. زیرا در این کشور به دلیل سیاست های مزورانه حکومت ها، مناسبات اجتماعی بر مبنای دشمنی، خصومت و ناهمبذری استوار گردیده و تفاوت های نژادی، زبانی، ستمی و مذهبی سبب افتراق و انشقاق اعضای جامعه از همدیگر گردیده است. دموکراسی، مشارکت عادلانه سیاسی، انتخابات و فراهم سازی فرصت های برابر برای همه شهروندان و... عناصری اند که ساختار جدید اعتماد ملی در افغانستان را تشکیل می دهد. همه چیز در افغانستان بر مبنای همین اعتماد شکل گرفته و چنانچه دیوار اعتماد میان مردم و حکومت، دچار آسیب و فروپاشی گردد، چیزی برای همبذری و یافتمانداری از حکومت باقی نمی ماند.

به این خاطر تأخیر در برگزاری انتخابات ولسی جرگه و تعلل در تطبیق موافقتنامه سیاسی، صلح اعتماد مردم را نسبت به حکومت کاهش داد و عملکرد مقامات حکومتی را در انتظار عمومی زیر سؤال برد. اجرائی شدن قانون انتخابات و آغاز کار کمیته گزینش انتخاباتی یک گام مهم در راستای شفاف سازی رویکردهای دولتی و فراهم سازی زمینه های انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی است. امیدواریم که اعضای کمیته گزینش در ترکیب ساختار کمیسیون های انتخاباتی اول، اصل شایستگی و تعهد را مدنظر قرار دهند. ثانیاً، اصل مشارکت اقوام و طیف های اجتماعی را نادیده نگیرند؛ زیرا گزینش اعضا از کتله ها و طیف های مشخص، امکان ثقل و تخلف انتخاباتی را افزایش می دهد.

در پایان سال ۲۰۱۴ آغاز خروج نیروهای بین المللی و واگذاری مسؤلیت های امنیتی به نیروهای داخلی و بی ثباتی و فراز و نشیب های تند در مناسبات حکومت افغانستان و جامعه جهانی این نگرانی را شدت بخشیده شده بود که کشورهای کمک کننده علاقمندی خود را نسبت به تحولات افغانستان از دست بدهند. این بی میلی بدون شک کاهش کمک ها و حمایت های سیاسی از حکومت افغانستان را در پی می آورد و زمینه را برای نفوذ دوباره گروه های تروریستی به این کشور فراهم می ساخت.

نگرانی مردم از بازگشت افغانستان به گذشته سیاه و تاریک دهه هفتاد بود. نگرانی از تبدیل شدن افغانستان به میدان جنگ های نیابتی کشورهای همسایه و منطقه و نگرانی از گسترش فقر، بیکاری، مهاجرت و برهم خوردن مناسبات انسانی اقوام، گروه ها و طیف های مختلف اجتماعی بود که در افغانستان می زیستند.

این نگرانی ها با توجه به واقعیت هایی که در یک سال اخیر حکومت پیشین رخ داد، صورت جدی تر به خود گرفت و مردم را به خروج سرمایه و حتا ترک کشور تشویق کرد. در آن زمان حکومت قادر به تأمین نیازمندی های نیروهای امنیتی نبود. ذخایر بانکی کشور تقلیل پیدا کرده بود. نیروهای مخالف مسلح دولت، هدفمندانه سیاسی فعالیت می کردند. امیدوارانه در راستای سقوط نظام سیاسی فعلی می گردند. در شرایطی که تمام بودجه نیروهای امنیتی از سوی کشورهای خارجی تأمین می شد و پروژه های بازسازی و نوسازی به حمایت مالی خارجی نیازمند بود، دوام کمک های خارجی برای مردم افغانستان ضرورت حیاتی داشت.

حکومت وحدت ملی زمانی قدرت را به دست گرفت که از یک طرف خزانه دولت خالی شده بود و از سوی دیگر به دلیل تنش هایی که در روابط افغانستان با کشورهای کمک کننده به وجود آمده بود، دوام کمک های جامعه جهانی در هاله از ابهام قرار گرفته بود. شرایط بحرانی و جنگی که در کشورهای عراق و سوریه پیش آمد، این فریضه را بیش از پیش تقویت کرد که ممکن است آمریکا و دیگر

رضا احسانی



اعضای ناتو با تمرکز بیشتر روی منطقه خاورمیانه، از حمایت ها و کمک های خود به افغانستان بکاهند و بیکار دیگر افغانستان را در برابر گروه های تروریستی تنها بگذارند و به این صورت در پشت ابرهای فراموشی جامعه جهانی تمامی دشواری ها و تهدیدها بر حکومت افغانستان تحمیل گردد.

حکومت وحدت ملی که در پی یک جنجال بزرگ انتخاباتی و با میانجیگری کشورهای خارجی و خصوصاً ایالات متحده آمریکا، شکل گرفته بود، علاوه بر درگیر بودن به تضادهای درونی، از مشروعیت کامل قانونی و مشروعیت کامل قانونی برخوردار نبود. این مسئله مردمی نیز برخوردار نبود. وضعیت فوق العاده دشواری را برای مردم افغانستان به وجود آورده بود. وضعیت که هر نوع امیدواری را نسبت به آینده و دوام امنیت و ثبات سیاسی کشور متزلزل و ناپایدار ساخته بود.

اما حکومت وحدت ملی با تعیین چارچوب مشخص برای سیاست خارجی و تعیین اولویت های خود در روابط بین الملل، اصلاحات اساسی را در سیاست خارجی کشور به وجود آورد و از سطح تنش های موجود با برخی کشورهای مؤثر در تحولات افغانستان کاست و تلاش کرد تا با جلب اعتماد کشورهای همسایه از یکسو به پروسه صلح، صورت واقعی بخشیده و از

جامعه جهانی از افغانستان به شمار می آید. واضح است که این تعهدات یک جانبه و بی حساب و کتاب صورت نمی گیرد؛ بلکه اراده سیاسی حکومت برای توسعه و آبادانی کشور، وضعیت پیچیده امنیتی در منطقه و رویکرد حکومت در قبال آن در تضامیم کشورهای کمک کننده تأثیر غیر قابل انکار دارد.

اکنون نشست بین المللی دیگری در بروکسل در مورد افغانستان جریان دارد. نفس برگزاری این نشست ها صرف نظر از نتایج آن، افغانستان و مشکلات امنیتی، سیاسی و اقتصادی آن را در محراق توجه کشورهای دنیا قرار می دهد. وقتی این نشست ها به تعهد کمک های سه و نیم میلیاردی در سال در زمینه بازسازی افغانستان به پایان برسد بدون شک یک دستاورد سیاسی بزرگ برای حکومت و مردم افغانستان به شمار می آید.

افغانستان به این کمک ها نیاز دارد. تأمین این کمک ها به جلب همکاری های دوامدار جامعه جهانی از افغانستان ضرورت دارد. همکاری کشورها، به نحوه سیاست ها، موضع گیری به بن مناسبات و ادامه همکاری مذاکرات و جنجال های سیاسی، تجاری و امنیتی که پس از آن در میان دو کشور بروز کرد؛ بر مناسبات و ادامه همکاری های دو کشور تأثیر منفی بجا گذاشت. اما تلاشی این تلاش ها هرگز به معنای ضعف و یا ابهام در سیاست خارجی افغانستان نیست؛ بلکه عدم توافق بزرگجورهای مشترکی که بتواند منافع هر دو کشور را در دراز مدت تضمین نماید، مانع اصلی بن بست مذاکرات دو جانبه و چهارجانبه به حساب می آید.

با این حال سیاست خارجی افغانستان با سایر کشورهای همسایه و منطقه، سبب تحکیم روابط سیاسی و تجاری گردیده و میزان اعتماد و سطح همکاری ها را افزایش داده و آنها را به سرمایه گذاری در عرصه های مختلف، تشویق نموده است. همینطور در عرصه بین المللی افغانستان اهمیت خود را در میان کشورهای جهان حفظ کرده و توجه دنیا نسبت به امنیت و تأمین ثبات سیاسی در این کشور بیشتر شده است. نشست وارسا که با تعهد سالانه پنج میلیارد دلار تا سال ۲۰۲۰ در بخش نظامی پایان یافت، نشانه خوبی از حمایت های دوامدار

# جنگ و صلح حکومت با گروه طالبان

رحیم حمیدی



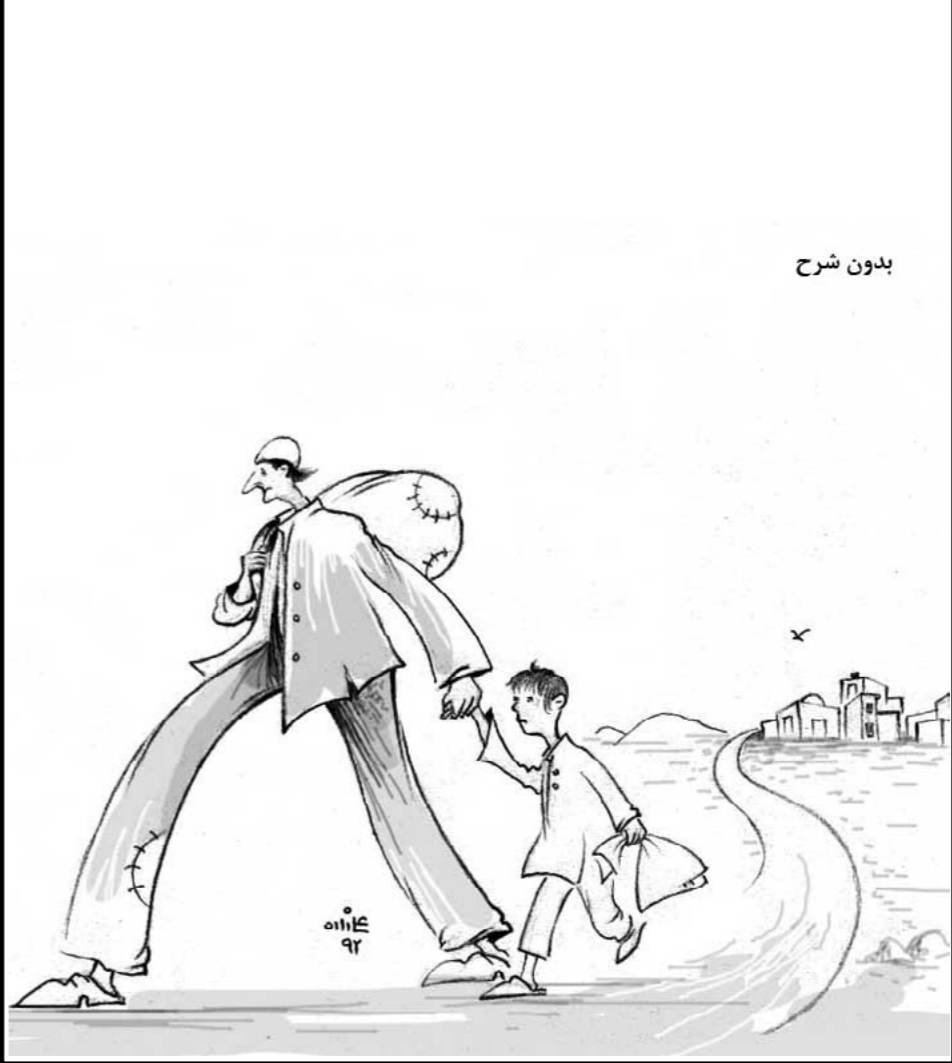
نشست چهار جانبه میان افغانستان، پاکستان، ایالات متحده آمریکا و چین یک گام بزرگ در راستای دست یابی به صلح بود. اما، نشست چهار جانبه نیز به بن بست رسید. چهار کشور نتوانست گروه طالبان را حاضر به گفتگو و مصالحه نماید. با وجود شکست های پی در پی حکومت در پروسه صلح و به بن بست رسیدن سیاست های شان اما، حکومت نسبت به گروه طالبان تغییر رویکرد نداده است. حکومت افغانستان در وضعیت کنونی نه سیاست صلح با گروه طالبان را به شکل فعال دنبال می کند و نه انگیزه جنگ با این گروه را دارد. در مقابل اما، گروه طالبان با انگیزه بیشتر حمله می کند. سردرگمی حکومت و مقامات بلند پایه منجر به سردرگمی نیروهای امنیتی در میدان جنگ شده است. زیرا، عنصر اساسی در میدان جنگ تشخیص و تعریف دشمن است. نیروهای امنیتی کشور وقتی نداند که دشمن کیست و با کی باید بجنگد مسلماً قادر به تدوین استراتژی نیست. نه تنها قادر به تدوین استراتژی نیست بلکه توانایی پاسخ دهی به حملات گروه طالبان را نیز از دست داده است.

سردرگمی کنونی ما کمک نمی کند تا در جنگ با گروه طالبان پیروز شویم و یا از راه مصالحه و گفتگو به صلح دست یابیم بلکه سردرگمی کنونی از یک طرف نیروهای امنیتی کشور را تضعیف می کند و حمایت مردم از حکومت را کاهش می دهد و از طرف دیگر، باعث قدرتمند شدن گروه طالبان می شود. حکومت ناگزیر است سیاست خود را در قبال گروه طالبان تغییر دهد. حکومت تا اینجا کار همه راه ها را پیموده است. رفتن راه گذشته نتیجه بخش نیست. همچنان سردرگمی کنونی نیز آتش جنگ را خاموش نمی کند بلکه آن را شعله ورتر می سازد. ما هر چه اصرار بر صلح و گفتگو نمایم گروه طالبان از حمله بر کندوز، ارزگان، هلمند، بغلان و... دست نمی کشد. آن ها صلح خواهی حکومت را نشان تضعیف حکومت می پندارد و با انگیزه بیشتر بر مواضع نیروهای امنیتی کشور حمله می کند. ادامه وضعیت کنونی در نهایت، نیروهای امنیتی کشور خسته نموده و در نهایت زمینه فروپاشی حکومت مرکزی را فراهم می کند. از این جهت، ضروری و جدی است که ما تغییر در سیاست خود در قبال جنگ و صلح با گروه طالبان به وجود آوریم.

کشورهای عربی شده اند. در کشورهای عربی بسیاری ها بر این باور است که گروه طالبان در حال جهاد با اشغال گران است. به همین خاطر، تساهل به گروه طالبان کمک مالی می کند. دفتر سیاسی قطر این کمک ها را جمع آوری نموده و در اختیار جنگجویان خود قرار می دهد. در دوره حکومت حامد کرزی، رئیس جمهور پیشین افغانستان صحبت از گفتگوی رو در رو با گروه طالبان بر زبان ها افتاد. با این حال، حکومت کرزی موفق به گفتگوی رو در رو با گروه طالبان نشد. یکبار که بنا بود حکومت با گروه طالبان گفتگو مستقیم نماید خبر مرگ ملا عمر، رهبر و موسس گروه طالبان نشر شد. این رویداد گفتگو را به بن بست کشاند و حکومت افغانستان از گفتگو با گروه طالبان آرزوی زد. در دوره حکومت رئیس جمهور غنی سیاست صلح جدی تر دنبال شد. گفتگوی رو در رو با گروه طالبان نیز صورت گرفت. اگر چه نتیجه ای در بر نداشت اما، برای حکومت یک موفقیت به حساب می آمد. این گفتگو ها نیز به بن بست رسید. حکومت تلاش های منطقه ای و بین المللی برای دست یابی و رسیدن به صلح را گسترش بخشید. با پاکستان، ایالات متحده آمریکا و چین نشست چهار جانبه دایر نمود. از گروه طالبان دعوت نمود که به گفتگوی صلح بپیوندند. با این حال، گروه طالبان گفتگو

از بهار سال جاری، گروه طالبان حملات خود را تحت نام «عملیات عمری» خود را آغاز نمود. حملات امسال گروه طالبان نسبت به سال های گذشته افزایش چشمگیر را نشان می دهد. در سال های گذشته، گروه طالبان قادر به سازماندهی حمله در چند ولایت کشور نبود. امسال اما، این گروه قادر شده است حملات خود همزمان در چندین ولایت به صورت همزمان پیش ببرد. بسا این حال، رویکرد حکومت نسبت به این گروه تغییر ملموس نکرده است. حکومت افغانستان انگیزه سرکوب این گروه را ندارد. با وجود آن

کارتون روز



بدون شرح

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com